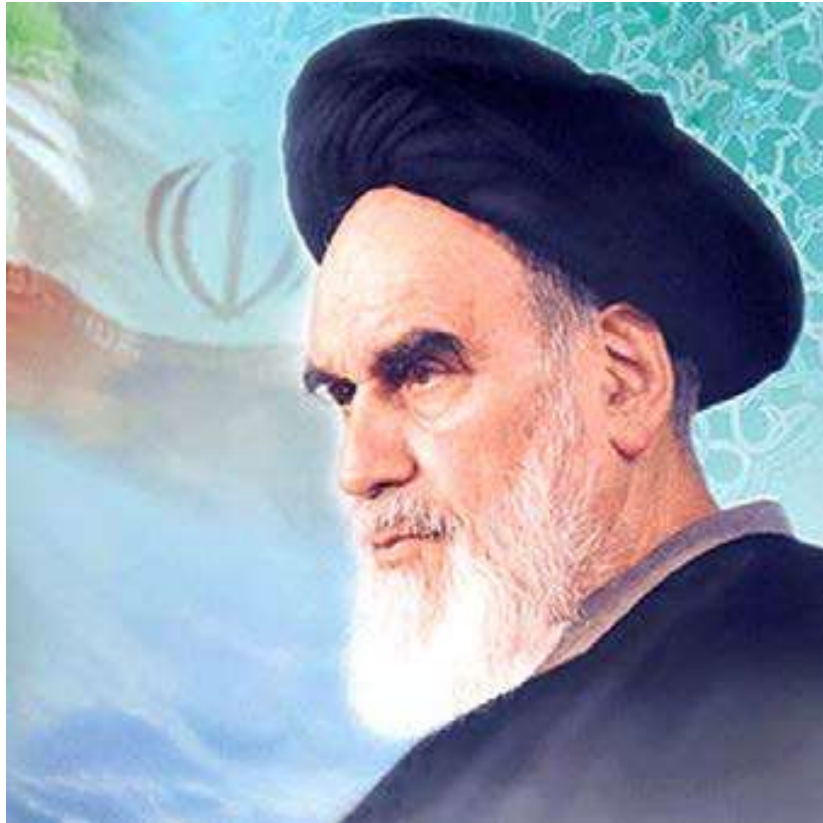




امام خمینی (قدس سره)



راه

روزی که به دنیا آمد (مهرماه ۱۲۸۱ خورشیدی)، هیچ کس فکر نمی کرد که سال های بعد، مسیر تاریخ ایران و اسلام را عوض خواهد کرد و میلیون ها انسان آزادی خواه و مظلوم جهان، نامش را یک صدا فریاد خواهند کشید.

آن روز، مثل همه روزهای دیگر بود؛ تنها تفاوتش این بود که صدها سال پیش از آن در چنان روزی بزرگ ترین بانوی عالم، حضرت فاطمه زهرا - سلام الله علیها - متولد شده بود.

چند ماه از تولد روح‌الله نگذشته بود که صدای شلیک گلوله‌ای در کوهستان‌های میان خمین و اراک پیچید. به دنبال آن، سواری سرفراز از پشت اسب بر خاک افتاد. آن سوار پدرش، مصطفی بود که به دست مزدوران خان، ناجوانمردانه هدف گلوله قرار گرفت و از پا درآمد. روح‌الله بی‌آنکه خود بداند، در چند ماهگی، فرزند شهیدی دلاور شد. بدین گونه بود که این کودک بدون داشتن هیچ خاطره‌ای از پدر، بزرگ شد. وقتی به سن تحصیل رسید، او را در شهر خمین به مکتب‌خانه فرستادند. در هفت سالگی توانست قرآن را ختم کند. وی تا نوزده سالگی در خمین درس خواند و برای ادامه تحصیل، حوزه علمیه اراک را برگزید. در آنجا با استادی آشنا شد که مدتی بعد یکی از مهم‌ترین حوزه‌های علمیه اسلامی را در قم تأسیس کرد. این عالم بزرگ، آیت‌الله عبدالکریم حائری (ره) بود.

امام از دوره نوجوانی و جوانی سعی می‌کرد در همه زمینه‌ها رشد و پیشرفت کند. مهربانی، سادگی، فروتنی، خوش‌بیانی، نظم و دقت و سیمای جذاب از ویژگی‌های درخشان ایشان بود. در همان دوران جوانی، صاحب ویژگی‌های اخلاقی و اعتقادی خاصی شد که سال‌ها بعد، تأثیر بسیار زیادی بر دیگران گذاشت و دنیای اسلام را دگرگون کرد.

پس از درگذشت آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، در سال ۱۳۴۰، بسیاری از علما و روحانیان، ایشان را به مرجعیت انتخاب کردند.

امام خمینی (قدس سره)، در سال ۱۳۴۱، مبارزه آشکار و سخت خود را با شاه و بیگانگان آغاز کرد و مردم ایران که فریاد او را حرف دل خود می‌دانستند، با طرفداری و اطاعت از وی، مخالفت خود را

با حکومت پهلوی نشان دادند. حکومت شاه در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، آیت‌الله خمینی، رهبر نهضت اسلامی ایران را دستگیر و زندانی کرد. مردم به نشانه اعتراض و حمایت از امام خمینی (قدّس سرّه) در بسیاری از شهرهای ایران، تظاهرات کردند و شمار فراوانی از آنها به دست مأموران شاه به شهادت رسیدند. سرانجام حکومت پهلوی امام خمینی (قدّس سرّه) را از زندان آزاد کرد و در سیزدهم آبان ۱۳۴۲ نخست به کشور ترکیه و سپس به شهر نجف عراق، تبعید نمود. در سال ۱۳۵۶ فرزند بزرگوار امام خمینی (قدّس سرّه)، حاج آقا مصطفی، در نجف به طرز مرموزی به شهادت رسید.

امام خمینی (قدّس سرّه) تا سال ۱۳۵۷ علاوه بر تدریس در حوزه علمیه نجف و تألیف کتاب، پرچم مبارزه با ظلم و ستم شاه و کشورهای استعمارگر، به ویژه آمریکا را برافراشته نگاه داشت. حکومت عراق به درخواست شاه، اقامت امام خمینی (قدّس سرّه) را در آن کشور ممنوع کرد. امام خمینی (قدّس سرّه) نیز ناگزیر به پاریس رفت و از آنجا رهبری نهضت مردم ایران را که در آن زمان به یک انقلاب بزرگ تبدیل شده بود، بر عهده گرفت.

نیمه‌های پاییز سال ۱۳۵۷ بود. برخلاف همه پاییزها که کلاس‌های درس مدارس و دانشگاه‌ها فعال بودند، در آن پاییز دانش‌آموزان و دانشجویان به فرمان امام اعتصاب کرده بودند و به مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها نمی‌رفتند. دیگر نه میز و نیمکتی در کار بود و نه معلمی. همه به فرمان امام در کوچه‌ها و خیابان‌ها تظاهرات می‌کردند و درس انقلاب را به بانگ بلند به گوش جهانیان می‌رساندند. آن روزها ملت، یک آموزگار، یک معلم و یک استاد داشت و او کسی جز امام خمینی (قدّس سرّه) نبود. سرانجام پس از آنکه هزاران زن و مرد مسلمان و انقلابی به شهادت رسیدند، انقلاب اسلامی ایران به پیروزی

نزدیک شد. شاه در دی ماه همان سال از ایران گریخت و امام خمینی (قَدَسِ سِرُّهُ) روز ۱۲ بهمن پس از ۱۵ سال دوری از وطن، با استقبال باشکوه مردم به میهن بازگشت. ده روز بعد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، مردم ایران، انقلاب اسلامی خود را به رهبری امام خمینی (قَدَسِ سِرُّهُ) به پیروزی رساندند. نظام شاهنشاهی واژگون و جمهوری اسلامی ایران، پایه‌گذاری شد.

امام خمینی (قَدَسِ سِرُّهُ) پس از پیروزی انقلاب بیش از ده سال، رهبری کشور را بر عهده داشت. در زمان رهبری، خصوصیات دوران جوانی و میان‌سالی خویش را حفظ کرد و همچنان افتاده و فروتن بود. هیچ‌گاه قدرت، او را از یاد خدا و محبت به مردم، غافل نساخت. مردم نیز او را از جان و دل دوست می‌داشتند. او محبوب همه مسلمانان جهان و مایه افتخار مردم ایران بود. امام خمینی (قَدَسِ سِرُّهُ) در این دوران در خانه‌ای ساده زندگی می‌کرد. سرانجام شب چهاردهم خرداد ۱۳۶۸ فرا رسید؛ شبی غم‌بار و تلخ، شبی که محبوب‌ترین شخصیت جهان اسلام به خدا پیوست. امام رفت اما راه او به یادگار ماند.

اکنون جمهوری اسلامی ایران که میراث گران‌بهای اوست، به دست همه مردم ایران به ویژه نوجوانان و جوانان سپرده شده تا از آن مانند جان خویش نگهبانی کنند.

«امام خمینی (قَدَسِ سِرُّهُ)»، نوشته امیر حسین فردی، با تلخیص